

فهرست الجلد الاول من مکتوبات لشیخ الشیوخ خواجہ محمد معصوم قلندر سرہ العالمی

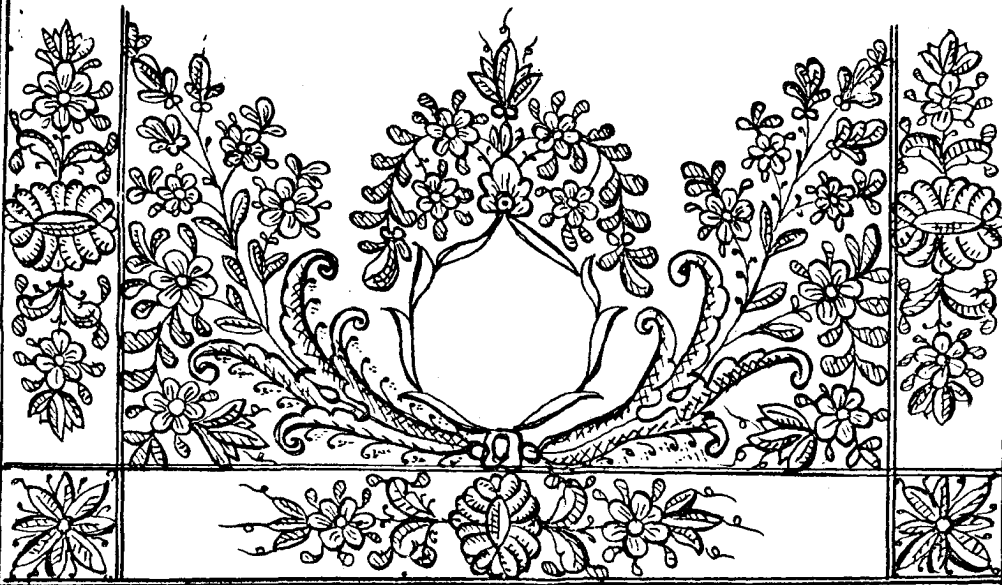
صفحہ	مکتوب	موضوع
۳	مکتوب ۱	مراتب ظلالی و قطع ایدوب معراج نہایت
۰	۰	الہامیہ یہ عروج بسیارندہ در
۴	مکتوب ۲	بعض اذواق مخصوصہ بسیارندہ در
۴	مکتوب ۳	انکشاف نسبت عزیز بیانندہ صدور
۰	۰	یافتہ در
۵	مکتوب ۴	اصل لاصلہ متعلق مقام حصولی بیانندہ
۵	مکتوب ۵	نسبت سابقین حصولی بسیارندہ در
۶	مکتوب ۶	فنائی تم و بقای اکل بخشندہ در
۶	مکتوب ۷	مطلوب ادراک کنہ مخفی بسیارندہ در
۶	مکتوب ۸	اذواق و تلویح ظاہر و تکلیف و بی ریکی بیانندہ
۸	مکتوب ۹	موعظہ و تذکیر بسیارندہ در
۹	مکتوب ۱۰	نعت شریف نبوی بسیارندہ در
۹	مکتوب ۱۱	یدی عدد سؤالہ جواب در
۱۲	مکتوب ۱۲	فنا و عدمی و وجود فنا فی وجود عدمی
۰	۰	و فرقاری بسیارندہ در
۱۳	مکتوب ۱۳	عظمت مطلوبی واللہ اسم اعظمک
۰	۰	عالوشافی بسیارندہ در
۱۴	مکتوب ۱۴	بوطریقہ طائفہ لازم اولان بعض
۰	۰	مشایخ و کالات نماز بسیارندہ در
۱۵	مکتوب ۱۵	اعظم حجب طائیک نفسی ایدیکی بسیارندہ در
۱۵	مکتوب ۱۶	الصوفی کا شن بدین کلامک مفہوم و
۰	۰	بیانندہ
۱۵	مکتوب ۱۷	قصور عالمی ملاحظہ نک لزومی بیانندہ
۱۹	مکتوب ۱۸	مولانا محمد صدیق عرفیہ لرنہ جواب در
۲۰	مکتوب ۱۹	حضرت محمد و الفنا ینک مکاشفہ لرنہ
۰	۰	بیان ایدہ
۲۰	مکتوب ۲۰	فلک بعض اسرار بی بیان و اشعار ایدہ
۲۰	مکتوب ۲۱	محبک خاصیتی بسیارندہ در
۲۰	مکتوب ۲۲	مولانا محمد حنیفہ جواب مکتوبہ کہ احیاء
۰	۰	سننہ و امامت بدعتہ تحریر صمد
۲۲	مکتوب ۲۳	توحیدک افسامی و سافواندہ بیانندہ در
۲۳	مکتوب ۲۴	حقیقت کعبہ و حدیث لی مع اللہ و حقیقت
۰	۰	سروکات ثبات طلیہ افضل الصلواتک
۰	۰	تفضیل تفصیلندہ در
۲۷	مکتوب ۲۵	ہر بقعہ نک حکم خاص و ہر زمینک
۰	۰	بر فیض مخصوصی اولاد یعنی بیانندہ
۲۷	مکتوب ۲۶	مرتبہ جمعی و فرقی بیانندہ صدور یافتہ در
۰	۰	ذات ممکن عدم اولوب حسن و جمال
۰	۰	عاریت ایدیکی بسیارندہ در
۰	۰	استفسار اولان احوالک شرح و بیانندہ
۰	۰	مذہب صوفیہ ترکہ در بناری و اسقا
۰	۰	عمل مفاہد ن قابل اولندہ و ایدوب
۰	۰	امروزی حق ایدیکی بسیارندہ در
۰	۰	ما عندکم ینفد کرمہ سنک اسرار
۰	۰	بسیارندہ در
۰	۰	اہل غم دن بری درویشانہ تعرض
۰	۰	ایدوب تخریر ایدیکی مکتوبہ تعریف در
۰	۰	حضور حق جل و علاہ دین خالص
۰	۰	فی شرکت مطلوب اولاد یعنی بسیارندہ
۰	۰	مدارک اشراج کاملہ محبت و سنت سنیت
۰	۰	متابعت در
۰	۰	حیات دنیا الیہ حیات برزخ صغری
۰	۰	میانندہ اولان فوق بسیارندہ در
۰	۰	قرب ولایتہ و قرب نبوتہ لازم اولان
۰	۰	اشیا بسیارندہ در و اکا وارد اولان
۰	۰	شہدہ بسیارندہ در
۰	۰	اثمک ظاہری و باطنی بیانندہ صدور
۰	۰	یافتہ در
۰	۰	ذکر حقتہ صدور یافتہ در
۰	۰	لوازم طایبان طریقت خواجگان بیانندہ
۰	۰	دفع شہدہ خصوصتک وارد اولندہ
۰	۰	دفعت کہ نصیحت خمنندہ صدور یافتہ در
۰	۰	مرشدک رضاسنی طلب لازم ایدیکی
۰	۰	بیانندہ در
۰	۰	بعض سؤالہ جواب و فقرک فضائل
۰	۰	بیانندہ در
۰	۰	قرب الہینک محصلاتی بیانندہ در
۰	۰	صلوات مستقیمہ ہدایتک معناسنی
۰	۰	بیانندہ در
۰	۰	حضرت یدیک بعض مکاشفات بیانندہ
۰	۰	اتباع سنت سنیتہ و محبت شیوخہ

۸۶	مکتوب	صوفیه ساداتك حصوله نسبت بیاننده	۱۰۲	مکتوب	ایمانك مرانی بیاننده در
۸۶	مکتوب	معرفان تحصیل بیاننده در	۱۰۳	مکتوب	تذکیر و نصیحت بیاننده در
۸۸	مکتوب	انظار محبت و قصور بی اعتراف بیاننده در	۱۰۳	مکتوب	شاهنواجه نرمدی به استجابتی و جمیع
۸۸	مکتوب	فناء نفسك تحقیقی و آداب شریعتك	۰	مکتوب	کالاك شریعت غراده سدرج اید یکی
۰	۰	الذرائع بیاننده در	۰	۰	بیاننده در
۸۹	مکتوب	فقر و فتنای ترغیب در	۱۰۳	مکتوب	حقیقت مکتبی و فقای حقیقی بی بیاندر
۸۹	مکتوب	محبت فائده جلال احوال بیاننده در	۱۰۳	مکتوب	طالبان واجد کاحوالی بیاننده در
۰	۰	لذات بخشنده در	۱۰۴	مکتوب	دولانا محمد صدیق و واقعه سنی تعبیر
۸۹	مکتوب	حظمت مطاوب عز شانه بیاننده در	۱۰۴	مکتوب	جمیع کالات سرور کاشناك اتباعنه
۹۰	مکتوب	محمد فاروقی ابن خواجه عبید الغفوره	۰	۰	مختصر اولاد یغی و باطن مرشد دن
۰	۰	نفسی صحت در	۰	۰	استفاضه مریدك محبتی قدر اولاد یغی
۹۰	مکتوب	حالت مودت و قیامت و نوره و تنبیه	۱۰۵	مکتوب	بیان اید در
۰	۰	ظاهر ایدان نسبت بیاننده در	۱۰۵	مکتوب	فناء قلب و نفسك تحصیل ترغیب
۹۰	مکتوب	شیخ ابوسعید ابوالخیر و بابا عیسی	۱۰۵	مکتوب	نصیحت بیاننده در
۰	۰	شرح اید در	۱۰۵	مکتوب	شهد صدیق و جوابد که الحوائی متضمنه
۹۲	مکتوب	محمد صدیق پیشورینك احوالی بیاننده	۱۰۶	مکتوب	بوصرفیک کجاری و انارش بعض سرور
۹۲	مکتوب	شیخ محمد شریف کابلی به خطایسته تنبیه	۰	۰	بیاننده در
۰	۰	ورضاه مرشدک طلب طالبه با ضرورت	۱۰۶	مکتوب	منصب قضای امر مشکل اولاد یغی بیاننده
۰	۰	لانم اید یکی بیاننده در	۱۰۶	مکتوب	منال نعمة اللهه نصیحت در
۹۵	مکتوب	الله نور السموات والارض کریمك	۱۰۶	مکتوب	بعض سرور غامضه فی احوال و زوره بیاننده
۰	۰	تا ویلی بیاننده در	۱۰۷	مکتوب	اطلاعهت و اسرار توحیدی بیان اید
۹۵	مکتوب	عاهنتك و محبتك و خزنك فضیلتی	۱۰۷	مکتوب	عارف کاملك حقیقتی بیاننده در
۰	۰	بیاننده در	۱۰۸	مکتوب	ساعت سرور کاشناك اولاد حالات بیاننده در
۹۵	مکتوب	نزهت محبوب حقیقه غریب طایر بیاننده در	۱۰۸	مکتوب	موجود حقیقتك موجود موهبه جمیع نسبت اولاد یغی
۹۶	مکتوب	وراثت حق جل و علا فی بیان اید	۰	۰	بیاننده در
۹۶	مکتوب	فناء قلب و نفسك تحصیل ترغیب	۱۰۸	مکتوب	احوال کریمه و بعد الورود بیاننده در
۹۶	مکتوب	مقام مشیخت بیاننده در	۱۰۹	مکتوب	طالبارك خدمت شیخ کامله وصولدی
۹۶	مکتوب	حضور نقشبنده بی بیان و بعض	۰	۰	موهبه صرف اولاد یغی بیاندر
۰	۰	سقا لره جوابدر	۱۰۹	مکتوب	معامله اصل و ظلا بیاننده در
۹۸	مکتوب	محمد حنیفك عربینه لوبه جوابدر	۱۱۰	مکتوب	کلمه توحید و نضاح نافع بیاننده در
۹۸	مکتوب	اصل اید ظلك بیاننده صد و یافته در	۱۱۰	مکتوب	جلال و جمال بیاننده در
۹۹	مکتوب	محمد صدیق پیشورینك احوالی شرح	۱۱۱	مکتوب	تعمیر اوقات و قضاء حاج و حسن
۰	۰	و استفسار لوبی بیاننده صد و	۰	۰	خلقك فضائلی بیاننده در
۰	۰	یافته در	۱۱۲	مکتوب	قیع و شرارت مرآت حسن و جمال اولاد یغی
۱۰۱	مکتوب	اجلا و همت ترغیب و احکام شرعی	۰	۰	بیاننده در
۰	۰	اولان شهودن شاه و مشاهدانه	۱۱۲	مکتوب	خزنك بومارده نرمدی و نسبتك احوالی
۰	۰	تفضیلی بیاننده در	۰	۰	بیاننده در

۱۱۴	مکتوب	فناء بیان شده در	۱۲۹	مکتوب	اعتماد شایان اولان احوالی تحقیق ایدر
۱۱۴	مکتوب	توت نسبت باطن احکام شرعیه ابله	۱۲۹	مکتوب	کسب علوم شرعیه واجیه دستند سنیه
.	.	تخلی سبب اولد یغی بیان شده در	.	.	ترغیب در
۱۱۴	مکتوب	حضرت خواجه نقشبند کلامی شرح ایدر	۱۳۰	مکتوب	شریعتده استقامت و مرتبه محبت
۱۱۵	مکتوب	فناء بقا و صفاء عبودیت بیان شده در	.	.	و حصول نسبت بیان شده در
۱۱۵	مکتوب	میرزا عبیداللهک بنفخی شرح ایدر	۱۳۰	مکتوب	حضرت مجدد الف ثانی کتبه حصاشی
۱۱۷	مکتوب	ظاهریه تعمیری باطنیک تحریفیه ایدر یکی	.	.	بیان شده در
.	.	بیان شده در	.	.	.
۱۱۷	مکتوب	بعض فرائد و کالات صلاقی حضرت	۱۳۱	مکتوب	مقام جمع و فوق عبادت جمع بیان شده در
.	.	خواجه بزرگ نقشبند کلامی شرح	۱۳۲	مکتوب	میرزا عبیداللهک احوالی و حضرت
.	.	ایدر	.	.	حضرت حالی و بعضی قائل اسرار
۱۱۹	مکتوب	حضرت پیریک محبت و نسبت باریک بیان شده	۱۳۷	مکتوب	و حقائق بیان شده در
۱۲۰	مکتوب	لقا و اخراج طلبیه دلالت ایدر	.	.	بعض تحقیقات حضرت ایشان واسوله
۱۲۱	مکتوب	شکریت و تذکره عن المکره در	.	.	و لوحه حقائق بیان شده در
۱۲۱	مکتوب	احوال خا هر پان بیان شده در	۱۴۰	مکتوب	اعمالک قصوری و نسبت انکشافی
۱۲۲	مکتوب	عنایت مطلوب و علوه دلائل بیان در	.	.	بیان شده در
۱۲۲	مکتوب	مطلوب تحقیق کمالک نصیبی	۱۴۱	مکتوب	سائلک عدیتی و ممکن ماهیتی
.	.	بیان شده در	.	.	بیان شده در
۱۲۲	مکتوب	بعض اسرار غامضه و اذواق خاصه	۱۴۱	مکتوب	کمال قرب بیان شده در
.	.	بیان شده در	.	.	النسانک خلقتن ان مقصود ندر
۱۲۳	مکتوب	طایفه در دمنده اونی کرک ایدر یکی	۱۴۱	مکتوب	انی بیان ایدر
۱۲۳	مکتوب	طریقت علیه نک مصطلحی اولان بعض	۱۴۲	مکتوب	مرید پیریک مرات کمالی اولد یغی بیان در
.	.	کالاتی شرح ایدر	.	.	حضرت ایشان حقنده اولان بشارت
۱۲۵	مکتوب	حافظ عبیدالکریمک احوالی شرح ایدر	۱۴۳	مکتوب	بیان شده در
۱۲۵	مکتوب	تنزیه مصوب و همت مرغوب بیان شده در	۱۴۳	مکتوب	مجدد و مزاده محمد سیفا الله پیر دستگیر
۱۲۶	مکتوب	آغاز نشیدیه فنای بی بیان ایدر	۱۴۳	مکتوب	استماع اولنان معافتی ذکر ایدر
۱۲۶	مکتوب	عبدالما یوس و لوب بیان شده در	۱۴۳	مکتوب	کالات عارف بیان شده در
۱۲۶	مکتوب	ذکرده هیچ غرض شائیه سی و لما مق	۱۴۳	مکتوب	محمد عبیداللهه بشارت ندر
.	.	بیان شده در	۱۴۴	مکتوب	حضرت مجددک بعض کالاتی بیان ایدر
۱۲۷	مکتوب	الحاج محمد افغانه نصیب حیدر	.	.	حضرت شیخ کندینک بعض مقامات
۱۲۷	مکتوب	کمال حقنده اولان دوام حضور	۱۴۵	مکتوب	خاصه سن تحدیث ایدر لو
.	.	بیان ندر	.	.	حضرت خیر البشرک حضرت ابراهیم
۱۲۷	مکتوب	خواجه ابراهیمه جواب در	.	.	علیهما الصلوٰه والسلام ملتته اباضک
۱۲۸	مکتوب	خلاصه سلوک بیان شده صد و یافته	۱۴۵	مکتوب	سری بیان شده در
۱۲۸	مکتوب	مشاهدات و تخیلاتک نفی بیان در	۱۴۵	مکتوب	مقام رضایک فوقی بیان شده در
۱۲۸	مکتوب	فنا فی الله طریقک شرطی اولد یغی کیا	۱۴۶	مکتوب	بعض اولنان سؤل المره جواب در
.	.	ایدر	.	.	اخذ قبض بوطریتده رابطه ابله
.	.	.	.	.	اولد یغی بیان شده در

۱۴۹	مکتوب	الحاج حسینک از واقعی بیان ایدر	۰	اولدنی بیاننده در
۱۴۹	مکتوب	دوام ذکر و عزت و ناقص این تعلیم	۱۶۰	احیاء و امانت بدعت ترغیب در
۰	مکتوب	طریقه اذن و رقیب بیاننده در	۱۶۱	حضرت پیرد سکرک بعضی مباحث
۱۴۷	مکتوب	ملا محمد حنیفه نسبتی بیان ایدر	۰	بیان ایدر
۱۴۸	مکتوب	حافظ محمد شریفه نصایح در	۱۶۱	حضرت پیرزاده محمد عبیدالله
۱۴۸	مکتوب	فنا و بقای و جماعت انسان کامل	۰	مکتوبه جوابد که نبویه اسرار و حقا
۰	مکتوب	دقائق بیاننده در	۰	جسم معدر
۱۴۹	مکتوب	فقر کنی و غناء واجبی بیان ایدر	۱۶۷	حضرت محمدک سکا شفه سی بیاننده
۱۵۰	مکتوب	ولایت حق جل و علا و ولایات ثلثه	۱۶۸	فنا فی الهی بیان ایدر
۰	مکتوب	و کالات نبوت بیاننده در	۱۶۸	در ویشانک خدمت و محبت درنده
۱۵۱	مکتوب	بعضی کالات اشارت ایدر	۰	اولان فضیلتی بیان ایدر
۱۵۱	مکتوب	شیخ عبداللطیف شکرخانی نصیحت در	۱۶۹	خواجه محمد کاظمه تعزیه در
۱۵۲	مکتوب	محمد یوسف خادمه حضرت ایشانک	۱۷۰	محمد و مزاده محمد سیفا الدینه نصیحت
۰	مکتوب	مکاشفه سیدر	۱۷۰	صلواتک اسرار و نماز ایدر
۱۵۲	مکتوب	نصیحت و مدح طریقت علیه بیاننده	۱۷۰	حضرت ایشانک بعضی مقامات
۱۵۲	مکتوب	صلواتک یکی قسمتی بیان ایدر	۰	بیاننده در
۱۵۲	مکتوب	میر محمد خانی نصیحت در	۱۷۱	محمد و مزاده حواجه محمد اشرفه
۱۵۳	مکتوب	غلام اموری بیان ایدر	۰	بشارت بیاننده در
۱۵۲	مکتوب	عالم امیری و عالم خلقه مناسبترین	۱۷۱	حضرت محمد دالف ثانیان استماع
۰	مکتوب	بیان ایدر	۰	اولان معارفک شرح و بیاننده در
۱۵۳	مکتوب	ذکر بی بیان ایدر	۰	تم
۱۵۳	مکتوب	موله نوم حیاتله یقظه بیاننده در	۰	م
۱۵۴	مکتوب	فنا فی الله ترغیب در	۰	م
۱۵۴	مکتوب	وجود باننده علماء صوفیه نک	۰	م
۰	مکتوب	و کدینک مختار لرینی بیان ایدر	۰	م
۱۵۵	مکتوب	عارفک ترقیبی بیاننده در	۰	م
۱۵۵	مکتوب	شهود بشرک شهود ملک اوزده	۰	م
۰	مکتوب	فضلنی بیان ایدر	۰	م
۱۵۶	مکتوب	کفایت جزاء و فاقی بیاننده در	۰	م
۱۵۶	مکتوب	عارفک بلند همتی بیاننده در	۰	م
۱۵۸	مکتوب	قد سنا الی ماعیال من عمل کریمه سنک	۰	م
۰	مکتوب	تا ویدیدر	۰	م
۱۵۸	مکتوب	کیفیت انکشاف بیاننده در	۰	م
۱۵۸	مکتوب	توحید دن اولنا سؤاله جوابد	۰	م
۱۵۹	مکتوب	محمد عارف بعضی مقامات تفصیلیدر	۰	م
۱۶۰	مکتوب	بعضی لوازم مشیخت بیاننده در	۰	م
۱۶۰	مکتوب	در و محبت و سبیل تعمیر آخرت	۰	م

ترجمہ جلد اول
از مکتوبات حضرت محمد
معصوم علیہ مکتوبات رطت
معصوم و شمس حضرت
احمد یکدست و شیخ فرادک
شیخدار بشفاعت
آمین
یا مسیحیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله العلي الاعلى * والصلوة والسلام على رسوله كما يحب ربنا ورضي * وعلى اله وصحبه كما يليق بجلوتهم
 شأنهم ونجرتي * اما بعد * بولائي منشوره * وجواهر منشوره بي * شناوران بحر عرفان * فخر بحر غيبه بيند
 * غواصي جذبات احديت ايله براورده ساحل تحريير * وكوهكان غواشي امكان * سرادات واحديدن ينشئه
 رياضت * بلكه سابقه موهبت ايله * كشيده سلك نضر رايشلردر * صدف جوامع الكلده مكنون *
 ومكنين جامع الحكمنده مرموز ومخزون * مضمين اسرار خفته وعلوم بدعيه مشتمل شواهد عجيبيه * ومعاني
 غريبه كه * كلزار انواع كمال * وبستان ازهار وصال * شكوفه كلستان علي * ونوباوه باغنستان هدى *
 حلال حقايق تشبيه * ومفذاح دقايق تنزيه شرح مراتب ولايت * وببين كالان بنوت نونج شريعت *
 وتفتح حقيقت * تفسير بيتينات محكمات * وتاويلات منشابهات * اطوار علما * انك مباديسندن پيدا
 * واحوال صوفيه كبرا * انك مقد ماتندن هويدا در زينت منازل متاخرين * وعزت مدارج متقدفين
 * دائرة نقطه اصول ونقطه دائره وصول * تفصيل مقامات فيقومت وحث * واجمال مراتب
 محبت وخبوبيتدر * شعر * ففى كل لفظ منه روض بالمئي * وفي كل سطر منه علفه من
 آذرت * قدس الله اسرار مظهره * وآدام بركات مظهره * وهو الانسان الكامل * والفرد
 الجامع * آية الاوليا * ومجزة الانبيا * سلطان ملك الولاية * ومالك سرير النهايه * فارس مضمار
 الكمال * وحارس اسرار الجمال والجلال * نجم سماء الهداية * وشمس فوق النهايه * باسط اليد بافاضة
 الاذواق * وناشر الايدى من الوجد والاشواق * الجواهر من بين الاعراض والذات * للعالم الذى
 هو ظل الصفات * رباعى * اى انكم جو ذات خود سرا با آنى * بر سر خلافت بشر برهاني * عالم
 عرض وذات نواز آجوهتر * اى جوهر وآن زكداى كانى * قوام العارفين وارث الانبياء والمرتبة
 * شعر لا يذرك الواصف المطرى خصايصه * وان يكن سابقا فى كل ما وصفنا * الفاروقى النسب
 * والمجدى الحسب * القدسي المحدث * والشره ندى المولد * وهو الشيخ * محمد المصنوم *
 ابن الامام الرتبان * والاوليسى الرتبان * كاشفا لاسرار التسع المثاني * والمجدد الفال ثاني
 * الثابى مناب رسول الله * والمهتدى بهدى حبيب الله * كمال الشيخين * وزين المستبين * صاحب
 الولاية الاضليه * ومخزن الانوار الالهية * خزينة الرحمة * ودفينة الحكمة * الصلة بين البحرين

ع
 مجموع ولائكم
 كان
 نسخ

والمصلح بین الفتنين * رباعی ای ناطقه را کلیل کال نوکیل * بز حال تو هم حال تو برهان و دلیل
 حسنت نك حبيب ز اعجاز آیت * با فند مصطفی سرخوان خلیل * الامام المصام * حجة الله فی الانام *
 الشيخ احمد رضی الله عنه * ورضی هو عنه سبحانه * طالبان یقین * و سالکان راه متینه هویداد در که * دوستا
 حضرت ذوالجلال * و باده نوسان نختانه وصال * تخلفوا باخلا فی الله * حکمه انقیادا * فاستعوبت
 بحببک الله * امرینه امتثالا * کلام الهی جل شانہ و فقیه * و سنن مصطفوی * علی مصدرها الصلوة
 والسلام طبقه متکدر در * و چونکه * یضرب بر کبریا و یهدی بر کبریا * صفت کلام ربان اولغله *
 لاجرم حدیث نبویه دخی کذلک اضلال و اهدا ظهور ایلدی * و اول خواجه اخبارک متابعی اولان اولیای
 کارک کلامی دخی اول کلامک طبقه واقع اولدی * بلکه بوز کزیدگان * جاهدوا فی سبیلہ * و فقیه
 کندی وجود بشریة ربی راه حق سبحانه ده افنا ایدوب * وجود موهوب حقان ایلہ بقا بولش * و ربانری
 شجرة موسویه حکمی اخذ ایلشد که عیبانی زما بود کوبنده * الحق یطلق علی لسان عمر * حدیث شریفی کا
 کواهدر پس هوشمندان اولوالابصاره آشکاره در که * بواکا برک کلماتی کوش قبوله منکوش * و انک
 نراتنه مترصد اولوب اعترافدن خاموش اوله لر * و بعض علوم و معارفی کال لطافت و تازہ لکی *
 سبیلہ فهم ایده مز لر ایسه متشابهات قرآن کبی تا و یلنی جو یا اولوب * و یا خردانک علی فائزانه تقوی
 ایلہ کوبا اولغله ایشانک نتایجندن بهره ور * و حقیقت امری بنا اوله لر * هذا هو الحق فما ذا بعد الحق
 الا الضلال * و چونکه بومکنونات قدسی با انک جمعنه تاریخ اختتام ایچون کوش هوشه * شروش غیبندن
 جمع ککالات نبوت * نداسی رسیده و منکوش اولغله اگر بودرة التاجی بونام ایلہ شمیمه ایلسه لر شایسته
 اولسی صوابد اولوالافهامدر * مکتوب اول مراتب ظلای قطع ایدوب معارج نهاییه انما یر
 عروج بیانده در که کندی پیر برز کوآر لیه نوشته در رضی الله تعالی عنه ذروة عرض خالک نشینان استانه
 علیا یر رسیده قلنان عرضه داشت بنده کثرین محمد معصوم بود در که * بوحودک احوال و اوضاع
 خدمه سی مستوجب حمد در * مریز خان ایلہ ارسال اولنان سرافراز نامه عالینده * بوعاصی مجوری
 * تا قابل دوز از کاری انواع عنایات ایلہ سر بکند قلش * و رودی شرفیاب ایلدی * نظم *
 من که باشم که بر آن خاطر عطر کدزم * لطفها میکنی ای خالک درت تاج سرم * قبله کاها حق تعالی نک *
 احسانری نیجه تحریراولنه * و فقی جوارح ایلہ انک مکافات شکری ادا و نقر براولنه * مکر شولکسته
 ادا ایده که کند بی خالک و افنا ایده * بلکه کندیدن نام و نشان قلبیه هنوز حق ادا ایله ینه ادا ایلش اولاز
 * بوطرفه منسوب اولان هر عبادت البتہ قصور * و عیب و نقم آن ایلہ مستمدر * الله لا یتقصی
 شأنا علیک انت کا انشئت علی نفسک * مکنونات و معارف شریقه جدیدیه برادر خواجه محمد هاشم
 اگر دن فرستاده ایلدی * انک علو درجه سی اول عثابه ده دکدر که * بر مکی هر ربی سر بخام * آن فهمه
 ایلہ * و مندرج اید بکافراد عالمه بالجمله ظلالاتها وصفات واجبی عز شانہ در * پس بالجمله اعراض
 اولش اولور لکه * انک میا نلرنده هیچ جوهر کائن اولماز که * انک قیامی اول جوهر ایلہ اوله * پس
 ذات اقدس انک یرماندن غیری نصیب لری ولماز * و نصیب لری صفاتدن غیری دکدر * مکر یک ذات
 عارف * الی آخره بر کجه تراویج نمازی شناسنده بومعانی مراقبه ده مطالعه واقع اولوب مشاهده اولند
 * اعراض که بومکنه نک ذاتی ایدی کند می اصلنه عود ایلوب * اندن هیچ نام و نشان قالمیوب * و کندی
 اصلنه نامر محو و مضمحل و متلاشی اولور ایدی * هر تقدیر سیرا یسه بالجمله کندی اصولنه و اصول
 اصولنه الی ما شاء الله روانه اولور دی * و مشهور اولدیکه هر نه مقامده روانه اولور سه * بالجمله
 وجوه و اعتبارانده سیرا یدر ایدیکه * اصل اصولدر * و بواصولدن فصولا صولدن ذات مجرده و صول
 محالدر * اصول بالجمله انقطاع قبول ایدر * و ذات عز شانہ ما وراء الورد در که * اطلاق اصل اول خمر
 جل شانہ ده سافظدن آخر الامر معاملة یاسه رسیده * و یقین الیقین ایلہ معلوم اولدیکه * سنک

حرمان
محمود اولی

بو ترکیب
فارسی کندیده
کلی مکتوب در که
غنا جلد نالنده
مکتوبدر

اصلك صفات و اعتبارات اولدغي وقتده انده سبعك نهايي . كندكي كندى اصولكده مضحل و متلاشه
 ايدرسين اصلده اضحلالدن صكره اصلدن كذا رايلك يمعنيدر . امرديكر . كركدركه حضرت ذات جل
 سلطان دن نصيب اخذايسته . اولوقنده . خاطره رسیده اولديكم . شيخ محيى الدين ابن عربى قدس سره
 خوش بيورركه . وما بعد هذا الا العدم المحض . يعنى فنادن واصله . اضحلالدن نصكره انجى عذرم
 محض واردره . زيرا اصولك انقطاعدن غيرى اول حضرت راهى بوقدره . وذات مجرد . وراء الوادر .
 ناكه اكا ذات . عطا بيورلدغه ذات تعالى به رسیده اولمق محالدره . حضرت ايشان تحرير بيورمشدر
 ايديكيم . بوقسم بزرگ برعصده متعدد اولماز . بوسخن ياس مذكوره علاقه اولدى . واولقدرد غم
 وقصته ظهورا يلديكيم قابل تحسیردكلدره . واول ياسده كاهى خاطره كلورديكيم . متبوعك جميع كالا
 تدن تابع كمالك نصيبى واردره . بس عدم بقدره . نه اعتبارايله اوله . آيا فرق اصالت و تبعيتيدر . اما
 بوقسم خواطره اولما اضطرارى تسكين ايلدى . برحمتهم بوق ايديكيم . درددل اظهارة اولنه . آخر الامر
 اذا استبنا سر الرسل و طمنا انهم قد كذبوا جاءهم نصرتنا . كرمه سى وفقه مكاتب جلد ثالثدن بوقفیر
 نامزد اولان سكسنا برنجى مكشوبك آخريته مطلع قيلدیر . هرچند اول مكشوبه مكررا نظر اولنشیدی .
 اما كوييا بوسره اطلاع مضل دكل ايشكم . اول محلدن چشم پوشیده كذا ايدرايدم . الحاله هذه
 توجه شريفلى ايله اميدوارميكيم . بومقدان فغ باب اوله . عين تحسیر ايله چونك بوامره اظلال بولدم
 تفصيل وزره كندمده مطالعه به قدرت بوقدر . ان شاء الله تعالى . ايشانك توجهى ايله بهره ور
 اولورزو العبودية . ايكينى مكشوب . بعض اذواق مخصوصه و شمول عنايات حق
 سبحانه بيانده دركه بودخى پير بزرگوار لرينه دررضى الله تعالى عنه موقوف عرض ساكان عبية
 عليه به . عرضه داشت كمتربنده ها . محمد معصوم ذره وار بودركه . بوحودك احوال دعا كويان
 . بمن توجهات عليه ايله مستوجب حمد در . الام فرق و مها جرتدن . غيرى ندوه واقع دكلدر . نظم
 خيال وصل نوتا حال زنده ميدارد . وكرنه باغم هجران حيات يعنى چه سرفراز نامه كرامى . معارف
 و اسرار سامى بله بى در بى واصل اولوب معامله تحضيضدن اوجه رسیده ايدر . تجليات ثلاثه بى متفخر
 اولان مكشوب بواشاده واصل . واستعداد مزفردان بهره حاصل ايلدك . بعده نور صرف ذاتى به مشتمل
 بر مكشوبك وروديله دخى مشرفا اولوب . حين مطالعه سنده اول نور صرفدن شعور بولوب . وبلكه
 انكه فنا دخى فهم اولوب . وافر مدت انده استغراق وزره اولوب هرچند وقت كابتد اول نسبت
 مستوردره . وجمي اوله . حضرت سلامتك معروضى بودركه حق تعالى عنايان نيجه تحسیر و عيان
 و احسانلى نه وجهله بيان اولنه كه . كشان كشان سيران ايندرلره . هرچند سبرى نه مقامه درونه
 محله ابصال ايدر لر بلز . اما بواشاده ظهورايدن التذاذات و كيفياتك بيان ممكن دكلدر كه ذوقدر
 بيان دكلدر . نظم من نه باختيار خود ميروم از فقاى او . آن دو كمتد عنبرين مبردم
 كشان كشان . حق سبحانه و تعالى توجه عالبدى ايله علم . و تميز كامل عطا بيوره . رب زبى عظم
 بوندن اقدام برقا صدايله . بواقع تحسیر و فرستاده قيلنشيد . اكر انك صحت و سقنى محتاز اولد
 كمال بنده بزويدر . و العبودية . اوجينى مكشوب . انكشاف نسبت غريزى حقنده
 بودخى نره در . ذروه عرض آستان بوسانه عرضه داشت احقر الخدمه . محمد معصوم . بودركه
 سعادت حضور شرفدن مجبور اولديغم كوندن برى اول دركاهك خادمانندن بوشكسته باله
 برخبر رسیده اولدى . خيلى زماندر نكييرانم . بومقامك احوال خادمانى مستوجب حمد در .
 و جمعيته اوقات كذا لرلدر . حضرت سلامت . بويجه كه ربع ثاينك بيكرى المنى شب شنبه در . ميان
 شيخ مرقل ايله بوداردن رحلت ايلدیر . خوش كوچديلر . وقت دفعده اول حضرتك بوينده ده اولان
 كلاه متبركلر ايله اول حضرتك بوينده به مخصوص عنایت بيورد قلى كلاهك غبريدر . اول كلاه ايشانك

سلامت
 نام كرات
 و كلاه و كسوة
 تبرك

سربینه الباسر اولندی مجرّد کبد ریک ایله ویا. ترجمه صکره اول حضرتک نسبت علیّه خاصه سی بشانده جلوه کز
اولدنی مشاهده اولندی. و بو عزیزی بالتمام اخذ واحاطه. و بعده مقبره بی انک نسبتی احاطه و بلکه
تماماً اول اطراف و نواحی بی نور ایله مالامام قیلدی. قَبِيلَ مَنْ قَبِيلَ بِلَا عِلَّةٍ دُرُجُجِ مَكْنُوتُ
اصل الاصله متعلق مقام عالینک حصولی بیانده بنه انلره خیر بر اولمشدر عرصه اقدسه نیا زمند درگاه
والا اولان محمد معصومک. عرصه داشتی بودرکه. بوشکسته بالک احوالی. اول کعبه امان و امانک
بمن توجّهی ایله بزوجه استقامت اولوب. و عزیمت اموده هیچ بر کونه فنور. رهیار با ولما مشدر اقباله
اول حضرتک طفیل نظر عنایتی ایله عاریت فالان چند نفیسه دخی فنور ظهور ایلته. ثانیاً معروض بودر
فقیر و فرستد تلم مقبوض و معصوم ایدم آخر الامر توجّه عالیری ایله بسط عظیم ظهور ایدوب. و اول
بسطه زیاده شکوف بر مقام عالی نمودار اولوب اول وقلنده بوتله معلوم اولدیکه بومقام باجمله مقام
ظلالک فوقیدر واصل الاصل مقامیدر که ثابته ظلیت اگا رهیار با ولما مشدر بالتمام کندیمی اول مقامه
داخل بولوب وکندی سربمی اول مقامک مرکزین داخل وکندی با قیسی تدریجی کزده اگا محاذی کوزدم
و اول وقلنده بعض شیلردخی مشهور اولدی که حضورده اولیدی محتمل که عرض اولنوردی. بشیخی
مکْنُوتُ نسبت سابقین حصولی بیانده بنه والد بزرگوار لربنه فرستاده قیلتمشدر ذرّوه عرض
خاک نشینان درگاه عرش استباهه. عرصه داشت بنده کمترین. محمد معصوم بودرکه هودل سرایند
ارسال اولنان سرافراز نامه کاهی واصل وافرده جانلره سرورکا مل حاصل اولوب و مرده دلره ستر
توذن حیات جاودانی ارزاق بیور مشار حدّ الله سبحانه که بوطرفده اولان متعلقان اول مهملکه دن
عافیتا وزره در. مولانا محمد صدیق سفر اخیار ایلدیکه وائلده نظرفقیره چندان زیبا کور نمشر
ایدی نظم باپری رویا کردرخانه باشد کسی. میل بیرون چون کند دیوانه باشد کسی
مولانا نک استعدادنن و بلند همتا ولد قلندن ناشی بو عرف عجیب کورندی کرک ایدیکه بر افریدی
وسبله ایدر که انضامه رسیده اوله. افریدیکه متوجه اولورلر ایدی. ثانیاً کندی احوال شکسته بی
عرض ایدیم حضرت سلامت بوفقیری اول یاردن که عالمه تنزیل ایشلر ایدی. نشانه. و وقت عروبه
مشرفا ایلد کوری نسبتیه میان بولورکی بمین یساردن بیگانه در ویمین و یسارک اول نسبتدن ضیی
قلیدر بلکه هیچ مناسبتی بوقدر اول نسبت سابقان مخصوصدر اصحاب بیان دخی اصحاب یسارکی اول
کالدن حصه یاب دکدر وارباب ظلالک دخی عوام مؤمنین کی. بومتمادن نصیبیری بوقدر. محبت
ذاتیه که اول مقام ایلام مجوبدر هنگام از یادده انک اول مقامده محقق اولان انعامه نسبتیه محبت
بخش ایدر و چونکه کندی ذوق و وجدانه رجوع ایلد که بی تکلف بر حلق و حلاوت بولور و بلکه ایلام مجو
و قلنده بر از یاد محبت بولور که هنگام انعامده بوقدر و دخی مجوبد ایلد می حضور ایلک بر فرح و سرور
بخش ایدر که نفس انعامده اول فرح و سرور بخش ایدر که نفس انعامده اول فرح و سرور ثابت دکدر
دیمک ممکندر. زیرا محبت ذاتیه ده هر چند فرح و سرور شائبه نفسانیه دن منزّه و مبرا اولوب.
آئیت واکمیت پیدا ایدر عالمی بالتمام اعراض بولور که بوی جوهرتیی استشمام ایلد مشدر. و بذاته قیام
انک حقنده ثابت دکدر بوقوم جمیع اشیا حق تعالی در انالفظی ایلد و بلکه جمیع اشارات ایلد دخی مشارالیه
اودر زیبا ممکن ایچون ذات بوقلد و عرضه اشارت ایلک انک فیومنه اشارتک عنیدر محکات ایچون
اشباحی زیاده بیلزل اراء خارجیدن انلره زیاده تصور ایلزل حق تعالینک قدرت کامله سنی
ملاحظه ایلک کرکدر که بوارات که محض احس و وهم مرتبه سنده در بر منج اوزره ثبات واستقرار
وبرمشدر که زوالدن مصون و محفوظدر و معامله ابدی اکا مربوطدر و اعراضک قیامی بر منج
اوزره بولور که شائبه حالیت و محلیتدن پاک و مبرا در بوسنبدن مقدّمات شیانک ثبوت و تقریر
حق تعالی ایلد ایدی چون قلمک بیان احوالده اولقدر در بزشی وار که مدر که انک ضبط و برایشان عالم اولوب

نکته

در این مقام
نکته

انقطاع

معنی
بار و نسبت
رسمانیه مفضلا
مذکور

ماده
مقامه باهوشی
سنگین رنگارنگ
اندیش

لاجرم قلیل وزره افنصارا ولنوب باقیسی وقت دیکو موقوف فیلندی و العبودیه ^{بیهوش} السببی
مکتوب . بنه انزه فنای تم وبقای اکل بحشده در . ذروه عاکفان آستانه عایشانه عرضه داشته
مجبور ملازمت عالی محمد معصوم بود که . متوهم اولان حسن وجمال چونکه عاریت و امانت در اهل امانه
منصرفا ولوب و شرو نقتصدن غیری هیچ نشنه باقی قالمز حضرت سلامت بو تحریک اثنا سنده کورر که
اندن غیری هیچ ظاهر دکل ایدی استناره متوجه اولوب اصلنه رجوع ایدن کالات جلوه گرا و لغله باشد
بواشناده بر غیبت ظهور ایلوب کورر که خلی دمدر که طهارت ناول یدر مش طبیعتده بریشا نلقا هر
اولوب و شدت وزره فی کلمش و مشاهده ایدر که هرر که ^{بجمله یعنی در} بوستندن حتی طرفت ک طمر لردن دخی
ماده اخراج ایدر و چونکه افاق بولاقده کورر که عدی بالتمام رفع ایلشد و اول کالاتن غیر برشنه
ظاهر دکل و کندی بغایت لطیف و نوران بولور و بعده کورر که اگا بقا بخش ایلشد کندی اصلنه
رجوعه شروع ایدوب . و اصل لاصله ملحق اولور و ظهور اول حضرتده اصالت و حقیقت طریقله
پیدا اولوب . اتصال بی کیف حاصل ایدر و بوزمانده آنا که عدمدن بالتمام منفصل . و اون کالاته ملحق
اولسیدی اول مقامده اطلاق بولوب و ظاهر ک مظهره نسبتی عالم خلقت عالمه نسبتی کی .
بولوب . حقیقت کالات انفعالی . بومقامده ظاهر اولور . و بومقامه بعض امور دیگر دخی معلوم اولور
لکن غیر بی ممکن دکلدر . انشاء الله تعالی دولت حضور ایل مشرف و ندر قد عرض اولور .
بدیجی مکتوب . مطلوبک ادر اکنده عجز باینده در بودنی انزه در . ذروه عرض
عاکفان . آستانه علیایه کترین عباد . محمد معصومک . عرضه داشتی بودر که بوجد و ذک احوال
و اوضاع خدمه سی مستوجب حمد در خدمه عتبه علیه تک اخبار فرحنده اثار سلامتاری استماعه
ترصد لری هواره دامنکر لیدر . دولت حضورک و ضولنه اشتیاق نیجه شرح و بیان اولنه و سوز
و کذا را فراق بو وجهله نمایان قلنه . نظم . دوتم خون شد آخر چند جوشم . می اندر آکینه
چند پوشم . قله کاهای عجب کار بار و طرفه غنج و دلالدر که عین آرامید حرمان و نفس وصله هجران
نمایاندر . و نمی یابد و نمیدانند که چه میاید و چه نمی یابند . یعنی موجودی نذر . و مفقودی نذر .
مفهومی و معلومی دکلدر . نصیاد در تضاد در و تناقض در تناقضدر بر آرام و برر و بر لذت بخش
ایدر که هزاران لذتله و آرامله انک جنبنده بر جویله خریدار اولما زلر و انک عوضنده بر پیش از اخذ
ایلز لرع آنجا که باشد نقل و می بیکار بست این کارها اگر انک شکرند عمر لر صرف اولتسه بنه ادا
ایلا مش اولور و اگر انک طلبنده اوقات تلفا اولتسه بی سابقه فضل الهی هیچ حاصل اولماز مع ذلک .
حرمان هر وقتده دامنگیر و دوری و مجوری هواره دستگیردر . نظم . حسن شر غایتی دارنده
سعدی راسخن پایان . میرد نشنه مستسقی و دریا انجان باقی زیر مطلوب غایت تنزه و رفعتده
و طالب نهایت پستی و منقصته در انک ایچون بونکله شرکت و بونک ایچون اکا نسبت بوقدر . بونک
ادر اکنده عاجز و اندن ادراک اولشان نشنه فاصدر در پس میا نلرند و لور و وجدن و یا شرکت جهنم
و یا خود اسم طریقله نسبت موجود اولما مغله . لاجرم درک ادر اکندن عاجز اولمق عین ادراک
اولوب و کهنی چهل معرفت ولدی . و چون بومعنای کندی ذوق و وجد مغله بولوب . و تعمق
نظر ایلله فهم ایدوب تکلف و تصنع بوزندن حاصل اولما مغله اگا بناء جرات و کستاخلق اولتشد
چاره ندر مطلبه علوهت ایلک لازمدر دشت ادراک انک دامنندن کونا هدر زیر هر نشنه
اندن حاصل اوله اول دکلدر بلکه انک شمع و مثالیدر . وظله کرفنار لوق غیره ابتلادن اگرچه هر چند
نمودار ایلدر اقای شائعه ظلیت اولمز . و اصلک کرفنار لرینه نقظه ظلیت کوه عظیمدر . و کذا
مشاهدندن روگردن اولوب احدیت صرف توجه اولمشدر . این و بخت و جیمی للذی قطر
السموات و الارض حقیقا و ما آنا من المشرکین ^{بجمله} سکر بجی مکتوب . جناب ارشاد

پناه مبرمجد نمانه اذواق و تلویح ظاهر و تکین و بیکانی باطن بیا ننده در. **بنسب الله الرحمن الرحیم**
 مخدوما صبا و ندن ناشی تکرار بویچاره نک نهادنده شور و ولوله ابداع ایلد یز. اوائلده یوا واره نلک
 طینتی حمر عشق و شراب جنون ایلد تخیل ایشلار ایدی. لکن مدرکه نک ضعیفی حیثیله. و شهوات
 طبیعه نک غلبه سی سببیلده اول طینت اصلیه مستور کی اولوب گاه اشکار و اکثر اوقانده مخفی
 اولور. اما بومعنا به اندن تکراراً بقیح حاصل اولوب و همواره انک سترندن بوند اظهوار ایدر. **نظم**
 دلارا میکده اکر دل درو بند. دیگر چشم از همه عالم فرو بند. و بومعنی رفقه رفقه
 سرور ایلد ظهوره شروع ایدوب قوت پذیرا ولدی. که. **آلَا اِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالَمُونَ** حکیمه
 بویا مده یکی باشند بزوازه اولوب چندین طبل و قفسه ایلد سرکش اولمشدر دماغه مخصوص. شوریده
 لک و سرده سودای تازه پیدا اولمشدر ع در سرم سودای شیرین دلبر بست ع جنون من حبیب
 ذوفنون. **نظم** کد شست آنکه چون افسرده چند. دلم بودی بخواب نور درخسند.
 کون دل رازمان خفی پرستیت. حریفی عشق را آغاز مستیت. اول سبیدندر که دستمه قلم اولوب
 بر غریزه نیاز نامه عجز ایدوب. و توجه و دعا در یوزه ایلک مراد ایلد یکم و فنده در و نمدن جوش
 و خروش ظهور ایدوب قلی بر طرفه انوب فارغ اولورم. **نظم** بلی دل چون گرفتار هواست
 مهی دیگر بجمش ازدها است. و اگر چند کله نامه بی روستباه ایلسم متکلم ایلد غاططک وقت و حاله
 نققل ایده میوب باعث ملاز اولور. **نظم** لیل و موی مشکبهر کسکه دیدش مویبو. داند که
 زنجیر از چه رودر کردن مجنون بود. پس مخاطب لکرم یوزندن بوقسم شوریده کاری معذور
 بیورب. و آنک سیه کار لغنه نظر ایلده لر. بیچاره مشتاق ک کاری نه ایسه اکا مغلوب و مقنودر
نظم مجنون عشق را دیگر امروز حالست. کاسلام و دین لیلی دیگر ضلالست. بیلن که
 هر کسک هوا سی باشقه. و هر دیده نک بینا سی دیگر در. بر طائفه نک منظوری مخرقات دستا
 و بر کوهک مطمح نظری تنمات عقبا در. و بوفرقه نک دخی همتی مولی تعالی به مقصود در
نظم تو و طوبی و ما و قامت بار. نکر هر کس بقدر همتا وست. اصل سر سخته کله لیم
 مشتاق مسکین. کاهی مغرور وصل. و کاه مقنون فضل در. بر زمان حق تعالی نک الطاف و عنایا
 نظرا ایدوب مباحات و افتخار ایدر و زمان دیگر ده دخی کندی کردار و اعمالنه باقوب مناجات و افتخار
 اوزره در برو فنده دخی کندی نک اول جناب مقدسه کاللا وزره عدم مناسبتی ملاحظه ایدوب
 مقبوض و مابوسدر. **نظم** آماده کشته ام نظر امشب نظاره را. بیوند کرده ام جگر
 پاره پاره را. اگر شادان ایسه انکله شادان. و اگر غمگین ایسه انکله غمگیندر. **نظم**
 جانان غم خود دو اندر برمن. من شادی خود فدای جانان کردم. بالجمله کندینه نظر
 بعید و اکا نظر قریبدر نفسنده هالک و لاشیدر و اکا نظر له قائم و حیدر. **شعر**
 اِنَّ لَا صَاحِبَ وَاِذَا نُودِيتْ بِاسْمِي وَاِذَا نُودِيتْ بِعِجْدَةِ لَسْمِیعِ زَمَانِ اُولُوْرُکَ قاصد در. و هتکام
 اولور که مقصود در. هم طالبیدز. و هم مطلوبیدر. و لهذا قلمی الوان ایلد متلون و اداری افهام
 متناقصدر عباراتی پیچ اندر پیچ و معاملاتی هیچ در هیچدر بویچدن نه کشاده اولوب ونه
 افاده ایدر. **نظم** بکوی بادان مهان مارا. که آخر چند سوزی جان مارا. طالبیت
 یوزندن فاقد. مطلوبیت جھیلده واجد در که بصورتده اودر میان دکلدر لکن صورت
 اولی ده در میاندر. **نظم** بوصلش تارسم صد بار از پا افکند شوقم. که نو پروازم
 و شاخ بلندی آشیان دارم. معلوملری وله که بالجمله بواخلافات کل بومر هوفی شان.
 مقتضای سببیه انک صورت و ظاهریه نسبتله در. انک حقیقت و باطنی. **آلَا کَا کَانَ مَوْجِبُهُ**
 ممکن و بیکرنک اوزره در. بیکه تمکین و بیکرنیدن کجوب بی رنگی به پیوسته در. سبحان الله قلی

شد مدتی که گفت
 و شنبو با نور و نداد
 ای لایحیپ کونم
 وای بی نواتیم
 و هتکام از نوک
 کندی شوقه نظر
 ایدوب بیسوط
 و امید و ادر.
نظم صح

آلوب نقصیرانه عذر ابلک استدجکه نقصیر بر نقصیر زیاده اولور . انک استغفاری دخی استغفار کثیره محتاجه
 نظم . یلک آقشی نشاندان چشم خونریز . که سوی دیگرش زدا کش تیز . چاره ندر انک مرضی
 لادوارد وعلتی قابل شفا دکلدر . ما بالذات لایتنقک عن الذات . تا یکجا اطباب خواه اولوب ووقت
 شریفی بآه قیلنه نظم . عمر یکدشت وحدیث درد ما آخر نشد . شب باخر شد کنون کونه کما فشتا
 . والسلام علیکم وعلی من لایکم . طقوز بخجی مکسوب . عبد اللطیفه وعظ وند کیرد
 اولاعینتی سطر وبعده ترجمه سی تحریر اولندی الحمد لله العلی الاعلی . کما یحب ربنا ویرضی . والصلوة
 علی رسولہ محمد المصطفی صاحب قاب قوسین او ادنی . وعلی آله وصحبه البررة الثقی اقمابعد
 فان ادعوا الی الرفیق الاعلی . واتباع الهدی . ان الی ربک الرجعی . واعلم ان العذاب علی من کذب وکفر
 فعلیک بمجانبة النفس والشیطان والهوی . فاذکرکم نارا نلقی لایصلها الا شقی . والجزم
 الورع والنقوی . والتفقه علی المساکین وذوی القرب . وسبیحها الا نفی الذی یؤتی ماله یتزکی
 ولا تمدن عینک زینة الدنیا . ولا تزن الی الذی ظلم والذی عزی . ولا تنس المقابر والبلی والجنة
 وما حوی . والنار وما یصلی . وتفکر فی اللیل اذا یغشی والنهار اذا یجلی . وسارع الی امثال وامر الله
 بعبادته . واتباعه . واتباع الشفاة الکبری . یومر لایتنفع مال ولا یبوء للذکر والانی . ان
 هذه تذکرة لمن یحشی . والی الله المشتکی . من قلب معرض عن الهوی . الم یعلم بان الله بیری .
 والیه الرجعی . وانه یعلم السر واخفی . فیا جتدا لمن ارتقی . عز الستقل . فتوجه الی العلی .
 والی حطیثه بکی . فی ظلم الدجی . وعلی ان الی الله المنشی . وانه علی العرش استوی . وما زای
 تأثیر قدرة للوری . واستیقن بان الله هو اغنی واقنی . واضمحک وابکی . وانه هو امات وایحی
 فینشد فنی . عن نفسه ویرتبه بقی . فصار شدیدا القوی . ما زاع البصر وما طغی . لا یجزئه
 القیامة الکبری . وجوزی بالجزء الا قفی . یومر تذکر الانسان ماسعی . وان له قریات وزلفی
 اذا برزت الحیمة لمن یری . وفی ذلك فلیتنا فسل التافسون الثقی . ویبذل جهده الثقی . والستلا
 علی من اتبع الهدی . والترقم متابعة المصطفی علیه وعلی آله الصلوات العلی الی یومر الجزام م . یومر مکتوب
 والاده اولان حسن ادا . وبلاغت املا ترجمه وادی ترکیه بتدیل یله فدا اولمنیوب . اولاعینتی سطر
 وانها وبعده ترجمه سنی ذیلنده کتب وانشاء ابلک صوابدیدا ولی التنی اولمغله اقمابعد کلامند
 فصل خطاب بدوب ابتدا اولندی . وقتن الله تعالی . ای طالب بسالک راه مولی بن سنی رفیق علی
 واتباع هدایه دعوت وندا یدرم . مرجع ومصیر جملة وراحتی تعالی در معلوم اوله که عذاب عقی به
 ارباب کذب واعراض القا اولنور پس نفس وشیطان وهوادن اجتناب التزام ابلک ولی در که سری
 نار ذات لهب ایلله . انداز ایدرم که اشخاص صاحب شقا کا الزم واحرار و ملازم ورع و تقوا اولوب
 مساکین و اقربای بنفاق واکسایله که روز جزا ده اندن دور اولنر حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه کوی
 مبالغه ایلله مستشبهت دامن تقوا اولوب مالکینک زکاتنی اعطا ایدنلر در وزینة دنیایه منی واستمسکانه
 باصره کالقا ایلله وصاحب ظلم وغیابت اولنلره میل ایدوب و فانی هبا ایلله قبول کرده اولان افغانی
 و جنتک احتوا ایلدیکی وناره القا اولنلر جان و انسان قلبکدن انسا ایلله و شب مظلم ومستوری .
 و روز فیروز برنوری تفکر ایلله خالق تعالی یحید و ثنا ایلله او امر الله امثاله و نواهیستدن اجتناب
 وانتهایه مسارعته نفسکی لها ایلله . و رجال و نساء یحطام دنیانک بی نفع اولدیغی یومر جزا ده شفاعت
 کبرای ابتها ایلله اشته بومواد موی لها اهل خشیته تذکر و انهادر بیدهدا و قریب هوا اولان بی
 نوا انک شتکاسی انجی حق تعالی به در معلومیدر که الله تعالی بیاد و رجوع دخی کا در که نهان
 وهویدا معلوم خدای دانادر . ای طالب سالک غبطه فرما شوی ذات صاحب نهاد در که سفلا در
 علایه توجه و ارتقا ایدوب کما هدرینه لیا ئی رجاده بکا ایلوب و معلوم اوله که مرجع ومنتهایه

حکم والاسی عرش مجید دن بالا اولان ذات کبریا به در و ورانک ناشیر قدر تنی سلب ایدوب نیقن ایده که اغنا
 واقنا ایدن واضحناک و ابکا ایدن و امانه و احیا ایدن فی الحقیقه باری تعالی دره اشته بو اوصاف ایل به
 متصفنا ولد قده فنا و بقا ایل محلی شدید القوی ولور و زین و طعنان بصر دن معزا و طاقمة الکبریا تک
 احزان دن مبرا اولوب انسان و الی تذکر ایلدیکی روز جزا ده جزاء او فی ایل جزا اولنوب اهل عرصانه حیکم
 اراز و انهار اولدیغی مده بالخاصه مظهر قربات و زلفی ولور پس رغبت ایدنرا اهل تقوانک مظهر اولد قمر
 بو اکرام بالغ العلانک شایان رغبت اولدیغی بیلوب میل و تنافس ایل بذل مقدور ایدوب سالب فنا
 و جالب بقا اولسونلر و السلام علی من اتبع الهدی و التزم متابعة المصطفی علیه و علی اله الصلوات العلی و الی
 الجزا **اون برنجی مکتوب** **خواجه دیناره** نوشته در رخت شریفدر الحمد لله و سلام
 علی عباده آلذین اصطفی نقد سعادت دارین متابعت سید کونینه و ابسته در علیه و علی اله الصلوة
 و السلام اگر نار ددن نجات ایل به متابعت سید الابراهه مربوط و اگر دارا القاره خولایسه دخی شباع
 قدوة الاخیاره منوطدر و اگر رضای پروردگار ایل به دخی رسول مخناره بستر و اولمقله مشروطدر توبه
 و زهد و توکل و تبذل اکا تبعیت ده بولند بقه نا مقبول و آذکار و افکار و اشتواق و اذواق دخی کا
 توسل اولند بقه غیر ما مولدا و لیا انک بحری پایا نندن بر جرحه ایل قانع و منفع و انبیا انک سر چشمه آب
 جاتندن سیراب و متمتع در ملک انک طفیلی و فلك انک خولید در دشته وجود اکا و ابسته و سلسله
 ایجاد اکا مربوط و ظهور ربوبیت اکا منوطدر کائنات بالجمله انک در فحاسی و مکنون کائنات دخی انک
 طالب رضا سیدر که وارد اولشدر و انا اطلب رضاک یا محمد **نظم** **منانند بعضیان کسی در کوفه دار**
 چنین سید پیشرو **شعر** **ان الرسول النور یستضاء به** **مُهَنَّد من سیوف الله مسلول** **صلوات الله تعالی**
و تسلیاته و تحياته سبحانه و علی اله و صبحه کما ذکره الذاکرون و کما غفل عن ذکره الغافلون صلاة تكون لك رضا
 و لحقه اداء پس جوانان سعادت مند و طالبان هوشمند ایچون لازمدر که ظاهرا و باطنا اکا اتباعده سعی و کوشش
 ایله لر و بود ولته منافی اولان هر شیدن چشم سروسری پوشیده ایدوب و یقین الیقین ایل به لکه اگر شخص
 هزاران هزار خوارق و فضائل صاحبی و لسه و متابعتده مدامن اولسه انک صحبت و محبتی سم قاتدر
 و بر شخص که هیچ بوخوارق و فضائل اولسه انک اتباعده قدم را شیخ صاحبی اولسه انک صحبت و محبتی
 نریاق نا فعدر **نظم** **مجالست سعدیکه راه صفاتو ان رفت جز در بی مصطفی علیه الصلوة**
و التسلیات والبرکات العلی **اون برنجی مکتوب** **یدی سؤاله جوابدر که قلیح الله ایچون صادر در**
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید المرسلین و اله اجمعین **اسوله زبیا**
 و اشعار دلکشان متضمن اولان صحیفه شریفه لیل به مشرف اولوب اندازة فهم قاصرا وزره هر برینک حلتند بعض
 نشنه تحریر اولندی و الله سبحانه الموفق للشداد **سؤال اولک حاصل بودر که** **سبقت رجعتی علی غضبی**
 کلام شریفنک مقتضای اولدر که اهل رحمت اهل غضبند چوق و له لر و حال انکه معامله بر عکسدر **زیرا ان**
و جنتک عصاف انلک صلیا سندن زیاده در و اهل تکلیف دخی بویکی نوع اوزره در **پس رحمتک سابق اولسه**
نه کونه راست کلور و اکانه وجه اوزره اثر ترتب ایدر **جواب** **دیناده رحمت خداوندی جل سلطانه**
مؤمن و کافک حالنه شامدر که **و رجعتی وسعت کل شیء کریمه سی اکا دالدر** **و فردای قیامت رحمت**
مؤمنده مخصوص اولوب کافر لاندن محروم اولسه لر کدر که **فَسَا كُنْهُمْ لِلَّذِينَ يَشْفَوْنَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ**
کریمه سی اکا شامدر **و رحمتک غضبی سابق اولسی دیناده جمله به شامدر** **و آخرتک اهل ایمانه مخصوصدر**
و مؤمنرا ایچن کسب معاصی سببیله **سحق غضبنا ولان جامعی اکو کال رائف و رجعتندن مغفرت و داخل**
جنت ایدرسه انلک ماده سنده رحمت غضبی سابق ولور **و اگر رحمتک غضبنا اوزره سبقتی اولرسه** **بر مکی**
کهنه اکر لره دنیا و آخرتک امید خلاص و نجات بو قدر رحمتک سابق اولدیندندر که بو مقدار بارگاه ایل به روی
زمین اوزره سیر ایدرز و هلاک اولیوب بوانواع نعم و نغم ایل روز قیامتک امید و انجات اولورزه

افشا
 قافله کندوب
 قناعت مرتبه
 شنی و بر مک

تجول
 خادیم جت
 نصیر در

حدیث قدسیه

نظم عربی
 بات سعادت بکله
 معروف قصیده
 برده دن بر
 بیدر

مفعول
 رسول کریم صلی الله علیه
 و سلم سیوف خداوند بر
 شمشیر انور که ظلمت
 کفر و خلاص ایدر و
 ان عملده بر تیغ پاکیزه
 جوهر ایدر

لهزجه
 عقی الله
 عت

و اگر رحمتك غضبي اوزره سابق ولسنی مرحومان و مغفورانك عددی اعتباری بده اخذ ایدرسنك كه سائلك
 ذهني دخی اكا ذاهبا ولور دژسندر . زیرا اهل رحمتدن مراد انش و جندن اهل طاعت و تمام فرشتگان اولور . و اگر
 و اهل غضبیدن مقصود كفار انش و جین اولور . و شك بوفدر كه عدد ملائكه مجموع انش و جتك عددندن اصناف
 و مضاعف زیاده در و اهل رحمتی انش و جندن اهل طاعت و تخصیص ایدوب ملائكه كرامی نندن اخراج ایللك
 بسمعیدر . زیرا جمله سی ما مور امر الهی تعا در و اهل طاعتدر : لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ .
 و هر كیمكه تا مور امر الهی تعالی در اهل تكلیفندن . و اهل تكلیفی بومعنايه كه مطیع و عاصی انك افرادندن اولوقوجه
 اوزره قرار ویرمك مُتَوَعِّدٌ تسلیم اولنسه دخی اهل تكلیف نوعه حصار و لفق مسلم دكلر كه ظاهر حق تعالی نك
 انش و جندن غیري اجناس مختلفه دن عبادی اولوب مطیع و عاصی بی منصفین اولوب و كندی علماری مقدار بخند .
 معذب و مشاب اولور كه كذا لك اخبارده وارد اولشدر و عدد اهل رحمتك زیاده لكی انك مقدار بخنده اوله .
وَمَا يَكْفُرُ بِخُذُوكَ إِلَّا هُوَ ایكینی سؤالك حاصل بود كه روز قیامت الی بیك بیل مقداری اولسه كركدر
 تا اولكون تمام اولمده . انبیاء علیهم الصلوات و التسلیاتدن و غیریدن همشته هیچ كسسته داخل اولسه كركدر .
 قلیل دینونك حسابی الی بیك بیل مده رؤیت اولنق خصوصا مؤمنلره عدالتدن بعد كورینور : جَوَاب
 حساب مده قلیله ده اولسه كركدر . البدور السافره نام كذا بده بیان اولمشدر كه اولكونده فضل قضا بسر
 ساعت مقداری زمانده در . و بیضاوی : وَهُوَ اسْرِعُ الْحَاسِبِينَ : كریه سی نفسیرند بالجله خلاقی رفیقون صاغابو
 قدر و فته محاسبه اولنسه كركدر . برنك حسابی دیگر بی حسابدن اشغال ایلر دیو بصریح ایدرو بالجله در رفقا
 طولی عظمت و علو و جاه و جلال و استغنا ی حضرت : مَا لِكَ يَوْمَ الْآزْمَةِ : طریقله در كارك در كاهند انتظار ناچا
 انتظار استغنا و جاه و جلال مقدار بخنده در قالدیكه اولكونده اولان شدت عذاب كفره و فسقه به مخصوصدر كه حق
 تعا بیورر . وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا . انبیاء علیهم الصلوات و البركاتدن و اولیا و سائر اهل طاعت و تقوی
 كی مقررین اولكونده اول شدت عذابدن امین اولورلر . لَا يُخْرِجُهُمُ الْقَرْعُ إِلَّا كَثِيرٌ وَنَسْفَتُهُمْ أَلَمٌ كَثِيرٌ .
 انلردن بعضیاری سایه عرشده و بعضیاری نوردن منبرلر اوزره و بعضیاری كوسیلر اوزره و بعضیاری كشیب
 مسك اوزره و بعضیاری مسجدلره بالجله آراسته اولان مقاملره لذت قرب ایله متلذذ اولوب اطعمه جنتدن
 مائده لر و اشربه بهشتدن ایریقار انلره رسیده اولسه كركدر بعض كسسته لر شدتده و نیجه لری بهشته روانه
 اولوب تكرار عرصا ته كنورسه لركر و بعضیله اولكون اولقدر شدتن و طولی ایله فرض نمازك و قنی قدر كونا كله
 كركدر و هر چند اهل طاعت دخی اولكوندن رو ایدر كه بر زمان كلوب اول زمانده انلردخی هولناك اوله لر اما
 هول پنبوشینه و عذاب و شدت دائم نضیب اهل طغیاندر . ابرار لك معامله سی با شقه در هر فته اولسه لر
 كرك عرصا نده یا برزخ و یا خود بهشته دخی انلرمات قریده در هر بلا كه وارد اهل عصیانك جانته دره
 و اول روز تمام اولمده بی آدمدن كرك انبیاء علیهم الصلوات و البركات و كرك غیریدن هیچ كسسته جنته كینمز
 دیو تحریرا و لشمسك عجمانه محلدن تحریرا و لشمس قرآنك . و احادیثك ظاهرندن فهم و لسان انك خلا فدر كه .
قُرْآنٌ كَرِيمٌ هُوَ حَقُّهُ رَبِّهِ . إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ . بیورر و بر محله دخی . إِنَّ أَصْحَابَ
الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا . بیورر . و قاضی بیضاوی بو كریه نك نفسیرند یازر كه اولكونده
 نصفنده حسابدن فراغت و لنوب اهل جنت جنتده و اهل نار نارده قتلوله ایدر لر و بوبایده احادیث چو قدر
 بعضیسی براد اولنه بدور سافره ده مصر حدركه ابن المبارك و طبرانی و ابن جبان حضرت عمر دن تحیح ایدو
 انلردخی سروا نام علیه الصلوات و التسلیاتدن روایت ایدوب . غَزَا عَالَمُ صَلَاتِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیورر لركه
 روز قیامتده خلا یجمع اولدق بر ندا ظهور ایدر كه بوامتك فقراسی فنده در انلردخی قیام ایدوب انلره
 خطاب وارد اولور كه عَلَمَكُنْ ندر انلردخی یارب بزلری مبتلا قلدك بزلر صبر ایللك اموری و سلطنت
 بزلردن غیره تفویض ایللك دیدك كرنده حق تعالی انلر قول كرده صا ده شكز دیوث انلر جنته ناسدن بسر
 مقدار زمان مقدم داخل اولوب شدت حسابده اموال و سلطنت صاحبلی قالور دیو بیورر دقلزنده

البدور السافره
 فی احوال الامور الانه
 سیوطی مره
 حومكدر
 م

كتیب
 قویدن یقین
 اولان دج

اصحاب کزین سوال بلد یلکه آیا مؤمنرا اول کونده فنده در حق عالم صلی الله تعالی علیه وسلم دخی بیوردیلرکه .
 انرا ایچون نوردن منبر لروضع اولنوب و غما ایلله مستظل اولورلر و بکون مؤمنرا ایچون برکوتک بر ساعتند
 اقصا اولسه کرکدر بیوردیلره وینه بدور سافرده مسطوردرکه ابن جریر سعید صوافدن تخریج ایدر سعید نقل ایدرکه
 بکاستند صحیح ایلله بالغ اولدیکه مؤمنین اوزرینه یوم قیامت قضا اولور حتی عصر ایلله مغرب میاننده اولان زمانه
 مقداری اولور و ناسک حسابدن فراغت ده ک انلریا رضی الله عنه و قیلوله ایدرلر و بویستی حق تعالی تک . اصحاب الجنة
یومئذ یخبرون مستقراً و احسن مقبلاً . کریمه سی بیان ایدریدی . واللی بیک ییل تقدیری کافر لراوزره اولان شدت
 اعتباری ایلله اولمق ممکندر . فی یومرکان مقدار خمسین الف سنه . کریمه سنک تفسیرنده قاضی بیضاوی دیرکه
 اول کونک طویل اولسی کفار مشته فی ایچوندر یاخود اول کونده حالات و محاسباتک کثرن ایچوندر و بایف الحقیقه
 اول وجه اوزره طویلدر . و تفسیر کواشیده اول کونک مقداری کفار مشته فی ایچون الی بیک سنه در حال انکه
 اوکون مؤمنینه صلات مکثوبه کیدر بیورر و کذلک کواشیده اول کریمه نک تفسیرنده تصریح ایدرکه یاخود
 یاخود معناسی دیرکه خلافتک امر لری و تدبیر لری یوم قیامتک ایا راجعدر و مقداری الی بیک ییلدر و بومعنا
 نظرله الی بیک ییل دیمک یعنی کافرله اول مرتبه مشته اولور که طویل کویا الی بیک ییل قدر اولور و حال بوکه مؤمنره
 الشا اولوب صلات مکثوبه مقداری وقتی کبی اولور دیمشیدر و بدور سافره ده مصر حدرکه احمد و ابوعبلی و ابن حبان
 و بیهقی سند حسن ایلله ابن سعید رضی الله تعالی عنه دن تخریج ایدرلر . ابن سعید بیوردیکه . رسول الله صلی الله
تعالی علیه وسلم حضرتلندن مقداری الی بیک ییل اولان کوندن بختیانه سوال اولنوب ما أطول هذا الیوم . دبدیلر
 حق عالم صلی الله تعالی علیه وسلم جوابلرنده نفسه انک دست قدرنده اولان ذات پاکه قسم ایدرکه . تحقیق علی تحقیق
 اول کون مؤمن ایچون تخفیف اولور . حتی دنیاه ادا ایلدیک صلات مکثوبه دن اهون اولور بیوردیلر و بر
 روایتده دخی مؤمنین اوزرینه اول کون ظهرا ایلله عصرک میاننده اولان وقت مقداری اولور بیوردیلر اکثر
 فی الحقیقه الی بیک ییل قدر زمان اولسی تسلیم اولنه دخی دیررکه . حق تعالی به نسبت ایلله هیچ عدالتک خلا فی
 و ظلم او نور نسته یوقدر اکر جمله بی دواخه فرستاده ایلسه هیچ ظلم دکلدرکه . بونصرف کندی ملکیده در
 غیرک ملکیده اذن اولمده نصرف ایلک ظلمدر حق تعالی مالک علی الاطلاقدر ملکیده کیف بشاء نصرف
 ایدر . لا یسئل عما یفعل و هم یسئلون . و جینی سوالک حاصلی بودرکه . جفا لقلم بما هو کائن .
 حدیث نفیسک مقتضای سنجه کرکدر که حق تعالی کندی تقدیرینک مجبوری اولد پس ک تعطیل کشیده اولور و دخی
 کل یوم هو فی شأن . کریمه سی و یحیو الله ما یشاء و یبیت . کریمه سی نه معنایه اولور . جواب معلوم اولرکه
 حق تعالی اراده تقدیر بیورر کندی اراده و اختیار مایله اوقات مختلفه ده شوبله و بویله ایلسم کرکدر دیمشدر .
 پس تقدیر ازل طبقه حق تعالی همیشه کندی اختیاری ایلله کارده در و تعطیل و هیچ جبر دخی یوقدر کندی اختیار مایله
 ایلسم کرکدر دیو بونقدیر ازل اختیاری مؤیددر منافی دکلدر و کاب محو اثبات لوح محفوظدر و انک محو و اثبات
 دخی اراده مقدرا اولوب و قلم حیاتک اولمشدر . و عنده ام الکتاب . دیو تحریر و اکتاباء اعتراض ایلک خطا درکه
 قرآن مجیده . و عنده ام الکتاب . واقع اولمشدر . مع هذا برز که . جفا لقلم . تعبیری بزره نسبتله درکه قید
 زمانده مقید اولنر برز و حق تعالی به زمان جاری دکلدر ماضی و مستقبل و ازل و ابد انک عندنده آن واحد
 پس تقدیر و خلق برانده و اقعدر . تقدیم و تاخر اول حضرتده کجا بشدار دکلدر . در دخی سوالک حاصلی بودر
 سید عالم سکلی الله تعالی علیک و کلم کنید . مقام محبوبیت حاصل یکن نیچون مقام حیرت ارزوایدوب . رب زد
 تحراتیک . بیوردیلر . جواب معلوم اولر که حیرت معرفندن کایتدر . اعرفهم بالله اشدهم غیرا فیه .
 بن خیرک زیاده اولسی سوال ایلک معرفتک از یاد اولسی طلبدر که معرفتک بایانی یوقدر . محبان و محبوبان
 بالجله معرفتک زیاده اولسی طلبدر . مع هذا برز که حق معرفت واقع اولوب و معرفتک بایانی وارددریو
 تسلیم اولندی تقدیر اوزره ممکندر که اند نهکره دخی معرفتک درجه کالنی طلب ایلله که انک فوق متقو
 اولسه . یاخود بودی برای تعلیم امت اوله . بشجی سوالک جواب . محذوما کمال محبتک مقتضایه

سرف
 منای سید
 واقع اولامق شید بالجله
 قدر بر اولمشد و کویا برده
 خبرلندن بکره فلیت برکتک حواله
 ماسی بر دخی بر اولان شیشک
 عد مرتبه لندن کاستا اولدی
 بوند دخی زنده تقدیر اولان
 انشیای بخیر برانده
 قوریده یوقدر
 بود دخی قیدر
 قبول ایلور دیکدر
 لمزجه

حجت ايله محبوبك مياننده رفع ائنيك يئيدور و بشريتدن و امكاندن و انلك احكامندن اخلاص نامدر امكنندن و بشريتدن
 ممكنده هر نه قدر اتر باق ايسه حجاب مطلوب اولقدردر و اخلاص و رفع ائنيكيت ممكن دكلدر كه شيخ عطار بيورر .
 منظره . غني بيئي كه شاهي چون بيمير . بنا و ناز فقر كل تورنج كوتور . اكا بناء . ياليت رت مجدم بلخلق مجما
 بيور مشراوله لر . و دخی . لا اخصي ثناء عليك انت كما ائنيك تكلي نفسك . ديشراوله لر . هر قدر كه ممكن امكن
 باق ايسه واجب لذاتيه كه كا هو شادان عجز و واردر و چونكه معرفت ديدكاري . فنا في المعروف در . پس حق معرفت
 اولمان . زيرا فناك كالي . رفع ائنيكيت ايله در كه وجوب ذاتي مستلزمدر پس لاجرم . ماعرفتك حتى معرفتك
 وارداولدي . مع هذا بزرگه . سرور كائنات علمه و على اله الصلوات و التسليمات حضرت نرندن بو حديقك نبوتنده
 سخن واردر . و دخی كليبي باختره . وارد قوتيك و رودی هنگامه در كه طافك وجودي رفع ايدر بشريتي رفع ايلز
 پس كندني امور ديكر ايله مشغول ايدرك تا اول ياردن بر ساعت تخفيف بوله . و دك و فكه كشیده اوليه .
 مولوی بيورر . نظم ابن تكلفهاي من در شعر من . كليبي باختره اي منست . منقولدر كه عبدالله
 اصطفي سجاندره همراه اولوب براي نماشا صحرايه روانه اولور ايدركه . بر ساعت بار وجوددن آسايش بوله
 التخي سوال . مبتك روحانيته اوچيني و يا اوچيني كون طبع طعا مريدوب . و اوچيني كون . كل ارسال ايلك ننددر .
 جواب . مجدوما الله ايچون بي رسم و ر يا طعام و يزكم . و ثوابي ميته ارسال ايلك زياده خوبدر و عظيم عبادت
 اما تعيين وقت حفته اصل معتمد عليه ظاهرا لما مشدر و اوچيني كون كل و يرمك رجال بيننده عيشه ريلي زاندر
 خوشبوي برسته بي اوچيني كون كوتورمك رفع كدر ايچون واقع در كه منكوحه دن غيري قربادن ار لئلا و اوج كوندن
 زياده سوگوار اولوق مشروع دكلدر . پس اوچيني كون بر خوش رايحه لي شسته و بره لركه ميتك منكوحه سندن غير كوزان
 كدري دفع ايله لر . بدني سوال . شيخ زاده لركه ارش ايله بدر لري فوتنده جان نشين اولوب و ناسي مريد
 ايلد كريد . جواب . خدوما بدر لك مقامنه قائم اولوب زمقندا اولغله وراثت معنوي لازمدر كه ولادت
 معنوي به منوطدر كه بدرينك كالان ايله متحققدن عبارتدر . ولادت صورينك نتيجه سي وراثت صوريديركه
 بدرينك مال و متاعني اخذ ايلدركه . وراثت معنوي دكلدر كه ارشاد و نيك اوله پس مجرده ولادت صوري سببيله
 وراثت معنوي به مداخله ايلك خطردر . رسم و عادات و زره بيرك و مريد لكدن كار فخر اولمازه طفلدن سوال
 ايلشرا كر بر كا مل فراستله فهم ايدوب بو طفلدن بعد البلوغ بومعامله نك انتظامني مامول ايدوب وراثت معنوي
 رسیده اولور ديوا كا وسعت و بروب كدي جان شيشي ايدرسه ممكندر و السلام عليكم . اون ايكلي مكنو
 خواجه مؤمن جذبي به فنا و عدي فرقي بي بيان ايدر . بعد الحمد و الصلوات و تبليغ الدعوات جناب كالات اكشا
 خواجه محمد مؤمن جذبك صحيفه شريفة سي مطايعه ايله ابتهاج و سرور حاصل اولمشدر . مندرج ايدركه حضرت
 صاحب زاده كلان بكا بشارت تحرير ايلدي سندنخي اول بايده متوجه اولوب نشسته تحرير ايدده سين ديوبا زلش
 جواب . خدوما انلردن تحرير ايلدكاري برده احتياج بو قدر كه غيري سندنخي اول امره تحرير ايدده و يا توجه
 ايدده . بر قطب لافطاب قدس الله تعالى سره الاقدس حجت و خدمتنده بر كمنه كه صدق رسیده اوله . به امر
 و انك امثالي موري تحرير ايدوب و انك صحت و سقا مني استفسار ايلسه انك حفته استبعاد اولمز و سز
 دخی اول حضرتك مقبول نرندن ايدركه . سز زدن متوقع و مامول اولنان اندن زياده در . همتي بلند ايدوب و اوقاف
 معمور ايدده سز بوكون بعض شيلردن برده رفع اولدي ايسه اميد در كه يارين كشاده اولور . انقباضك كرتند
 دليتك اوليه سز . بوجه كمال بسط و لقانك موطي ريشدر . اميد واراوله لر . نان مع العسر يسرا ان مع
 العسر يسرا . ابن عباس رضي الله تعالى عنهما بيوردر كه . لن يقلب عسر زين . بوايامد فنا و عدمك معنا
 و ميان نرند اولان فرق شويذا اولنديك بو طريقك طالبرينه ان بيلك ضروريان دن . چونكه سزك مطلبكزه
 مناسبتي اولغله ان دخی بو مكنوبده درج ايلدم استماع بيوريله بوسلسله عليه اكارينك عبارتنده واقع
 اولان عدم هستي اسم الهي جل شانك و رودندن عبارتدر كه عارفك مبدا تعيندر . پس برده لردن
 جذب و حجت طريقيه مدر كه و زره كه هستي سالك انك جنبنده مستور اولور و سالك كدي فن فكه و صفا

كليبي باختره
 حضرت مريد كائنات عليه
 اخلاص حضرتي كا حجاب
 استغراقه و ايرت رفع
 بشريتي و اطفانده مشا
 رفت ايلك خوفدن حجب
 ما بشه به خطا ايلدوب
 كليبي باختره بيوردي
 يعني سويله كا باختره دكل
 لسا زينت دنيا اولغله بو
 اعتبار ايله عالم استغراقه
 عالم و فقه كور ايت حجاب
 حجب صديقه نك نشيت
 شريتي در كه فنا
 نفس اماره در مكناسي
 قوت بول عورتك دكلدر
 مضمر تعظيم فاده ايلدر
 مكنو لركه خواص كا ايلدرك
 مرجع انا را استغراق ايلدر
 ايلدركه تكلف ايد اشعار
 انشا دونه مشغول اولوب
 استغراق دن خلاصه سي
 ايد رايحه تا كه وقت استغراق
 بشعور و ورايله و اجاعا
 وقت بوانشا .
 مذكور و زماني ناميد
 ايلدر استغراق و استغراق
 احوال اخذ نرند زياده و فقه
 اوليه نرند وجه ايلع اوز
 و اوز و اوز اوز اوز
 و هر ندر هفت نقصات
 زير قدر اير حا حجب
 اير حا لرنده احوال دن اعراض
 ايدر و وقتا الله
 تعالي
 لمريمه الحقيمه
 عمنه
 هفت
 و فقرت اوج كوندن
 بكد كد نكره استغراق
 ديشرا
 شيخ زاده لر

گمرا ایدر زبوله مزه وجود عدم اول مستی ایله تحقیق عبارت دره یعنی بر وجود که عدم اوزره مرتبدره و احتیاج
 وجود عدم حالت عدمه ایله تحقیق عبارت اوله یعنی وضو نیست عدمک سالکده پیدا اولسی بیکدره و بوعدم و بو
 وجود عدم فنا و بقا نیک اولکی معنا سنه دره جهت جذبه ده بو ظهور و اوجی بو قدره پس کا مرتب اولان فنا و بقا
 دخی دانی اوزره و وجود بشریت عوددن امین اوله مزه اول ظهوری ما را مکّه کائدر هستی سالک متواریدر
 و چونکه ظهور متواری اوله وجود بشریت عودت ایدر فنا ی حقیقی عارفه هستی مطلوب استیلا مستند عبارت دره
 عارف کندی و اوصاف و اخلاقی مطلوبک اوصاف و اخلاق بر توی بولور بر خدا اوزره که جمله بی بدرستی اول جبار
 قدسه حواله بیورب و جمیع منتسباتدن بی اولور و هیچ نسبت اکا رها با اوله من وجود فنا شول بقادن عبا
 بوقایه مرتب اوله و ولاده ثانیه ده وجود موهوب ایله موجود اوله و بوقنا و بوبقا ایچون دوام لازمه دره
 و وجود بشریت عوددن امیندر صورت اولاده سالک استناری واردر و صورت ثانیه ده انتفاعی
 واردر که میان نرند فرقی چو قدر زیر مستزکاهی ظاهر اولوب و عودت ایدر اما زائل عودت ایلمز اول
 مطالبیدن دکل و ولایت اکا مربوط دکلدر و ثانی مطالبیدن رولایت انکله مشروطدر جوق واقع اولور که
 طالب اول ثانی به مختلط قلوب کندی وجود عدم ایله فانی حقیقی ظن ایدوب و کامل بیلور و بوفرقه هدا
 یت با اوله مزه سالک نیک بو محل مذا لقی اقدامنددر بومقام مدعنایت خداوندی جل سلطان ایله طریق جذبه
 و سلوک یکبسی ایله دخی برورشیا فنه اولوب نهایت رسیده اولمش پیرکا مل و مکمل کرکدر که بویچاره دست و پا
 ککره ده بی بو ورطه دن خلاص ایدوب و نقضانه دلالت ایده و فانی حقیقی به رهنمون اوله سوال اگر
 دبر لسه که ایکی صورتده دخی هستی مطلوب ظهوری اولدینی زمانده نیچون برینک دوا و وار و بونده دوا و بوند
 و بری ازاله منتسبات ایدوب و اثبات ولایت بیور و بری بویه دکلدر جوابنده در زک صورت اولده که اندن
 عدم ایله تعبیر ایدر لربا طلب هنوز و اصل مطلوب و لما مشدر و چونکه جذبه سی سلوک ضم و لما مش و مقام قبدن
 ترقی ایلا مش و مقلب قلبه پیوسته دکلدر جیب در میا ندر لکن راه جذبه و محبت ایله اندراج الهایه فی البدایه
 طریق قبله پس برده دن بر تو مطلوب نیک باطننه تابنده و آن کندیدن ربانیده ایدر و چونکه جیب در میاندره دوم
 پذیر دکل و وجود بشریت عوددن امین دکلدر و ظهور برده ده واقع اولور دخی چونکه ظاهر اولان شی
 ظلا لمطلوبدن بر ظلال صورتی و نمود جانندن بر نمود جذر نفس مطلوب دکلدر وظل و نمود جک صورتک
 اولقدر قوت بو قدر که سالک اوصافی و منتسباتی سلب ایدوب و فانی حقیقی رسیده ایلکه قادر اوله
 لاجرم سالک کندی و اوصاف و منتسباتدن رهنکا مدع خلاص اولوب و فانی حقیقی به رسیده اوله مزه
 و ولایت چونکه جذبه و سلوک مجموعنه مربوطدر فقط جذبه ایله اکا اسم ولایتک اطلاقی صادق اولمز و صورت
 ثانیه ده عارف مقام قبدن خلاص اولوب مقلب قلبه پیوسته دره و معامله جذب و سلوک انجامه رسیده
 ایلمشدر مطلوب بی برده در اغوش ایدر لاجرم ظهور نیک حقه دامتدر و عود مذکور دن امیندر زیرا
 میاننده برده قالما مشدر که محبوتیت متصور اوله و چون ممکنه انتسابی اولان وجود و کالات مطلوب
 وجود و کالاتک ظلالیدر که مطلوبیدن غیبی هنکا متد ممکن اول کالات کندیدن فلهلیدوب اماننده
 خیانت ایله دعوی ریاست پیدا ایلمشیکه اصلک طلوعی و فتنده ظل ایچون محو و متلاشی اولوب اصله لحو قدن
 غیری چاره بو قدر عارف دخی بو هنکا مدع ظلالی اصله حواله ایدوب و منتسباتدن خالی اولوب رختی صحیح
 عدمه کشیده و فانی حقیقی ایله مشرف اولور و اکا مرتب اولان فنا و بقا سبیل اسم ولایتی کدوبه دست
 ایدر و بو وجه عاریت مشاهده ایدوب و اصله سپارش ایلک بجلی صفاتنددر و انک کالی بجلی ذاته مر
 بو طدر که هر مقامک تمام اولسی اول مقامدن گذارا ایلکه متوطدر م ^{بعضی صفات مقامند} و اون اوجینی مکتوب
 حافظ محمد شریفه عظمت مطلوبی و الله اسم مبارکک علو شانی بیاننده دره حضرت حق سبحانه کالک مرتبه
 عالییه سنه رسیده ایله شفقنا نارا مطلوب حقیقی چونکه او هام و افهامک و تفکر و تفعلک و رسیدر
 اول حریم اقدسنه معرفت نکارتدر و علم دخی جملدر چونکه اوجله بیوره مشتاق بیچاره عدمه توجه ایدر

نظم کبر مکه بختان ما یا خرامد کو حوصله و طاقت دیدار که دارد پس آنک طالبی همچون هرا بله قرار و با بر
ایله آمار ایلکدن غیری چاره بوقدره نظم عاشقان از نصیب از معشوق جز حزای و جا نکذاری نیست و اگر
وجود موهوبدن صکره انی تکرار علم و شعوره ارجاع ابد رسته مطلوبی کنده استعدادی و وجدانی مقدار بجه فهم ایدر
و حوصله و طاقتدن بیرون شتابا بلز که منته هر نفدر کند زعین به بالجه فیوددن خلاص بولدیه دخی مطلق
عقیق اولماز پس همواره نابافت انک دامکبری و انا امیدی نفدر و قیدر نظم همه صبح وصل
جویان من و شام نا امید که سپیاه بخت هم شب من سحر ندارد عاشق در غمک آرائی هیچ بر کونه فراری بوقدر
و انش بعد ایله همواره سینه سوزان و غم هجران ایله پیوسته جگر دوزاندر سرور کائنات علیه و علی اله التهلون
و التسلیمات دوام حزن ایله و تواصل فکر ایله موصوف اولد قری و فنده سائر لری نه دیسونر ظلال و اعتبارات
ایله آمار ایلک انکله آمار ایلک دکلدر محبت ذات انکله قانع اولما ز اول حضرتک نام سامیلر که الله لفظ
مبارک ایدر کویا کندی مستاسنه عدم و صولی شعار ایدر لام معرفت چونکه لام الهیه رسیده و وانه مدغم و معد
اولمش و همان لام الله باقی قالمشدر شاید که بونک ضمننده آگایما وارد کر چونکه معرفت اول حضرت منتهی اولد فده
فانی و مستهلک اولور و بلا نیادت و لاف نقیان معروفدن غیری هیچ فالما ز و چونکه معرفت منعدم اولد فده عارف
دخی عدمه پیوسته اولور زیرا علک عالم ایله اتحادی واردر و بواسطه مبارکک عالیشان اولد بختند که خول
علما انده مخبر قالمشدر و کهنه و اصل اولما مشدر انک مستاسنک کهنندن نه کونه خبر ویره لر ع چونما را نسبت
نام آورجه باشد بر جاعت دیر که بواسطه سریا یندن و بر طائفه دخی عریدر دیر لر و عربا ولدینی بقدر بجه بعضی
جامد بیور لر و بعضی مشتقد دیر لر و اگر مشتق ایسه دخی معلوم دکلدر انک اشتقاقی فتح لام ایله آله
نقطند نمیدر که عید معناسنه در یا خود کسر لام ایله کلمه سندن نمیدر که تحیر معناسنه در و یا الهی الی فلات
استماعندن میدر که سکت الیه معناسنه در و دخی قرع من امر نزل علیه معناسنه اولان آله لفظند نمیدر و بلخود
دوه نک کوچکی ناسته حریص اولدنی رفته عرب عربا آله الفصیل دیر لر اول ماده نمیدر و یا خود تحیر و بخت
معناسنه اولان و آله ماده سندن می مشتقد و بر کوه دخی دیر لر که اصل لاه مدر که لاه یلیه لیهها ماده سندن
مصدر در لاه دیر لر بر شنه محبت و مرتفع اولدنی و فنده و بعضی انک اوزرینه در که حکم ذاتدر و بعضی دخی
اصلنده صفتدر ذات تعالی ده استعالی غالب و لمشدر و علم حکمنده در التزامی دیر لر بالجه اول اسمک علوق حقیقنه
عدم و حصول انک مستاسنک بزرک اولوب و عدم و صولنه دلیلدن نظم الله چه لفظ و یا چه نامست
کوورد زبان خاص و عامست و چون دودخی مکتوب بوطریق طالبنه لازم اولان بعض
مشترک و کالات نمازی بیان ایدر بسم الله الرحمن الرحیم اسجیوا لرحمن من قبل ان یاتی یوم لا مرد
من الله من لیلای یومئذ ما لکم من بکر برادر مولانا محمد حنیفایله و ستاده قلنان صحیفه شریفه لری و اصل و بونکا
زاویه خولی یا دیوردر قری مطالعه اولوب فرخ بر فرخ و اوان نمایان اولدی چونکه حرارت طلب و شوق مطلق
بی هستای مشعل و لغله سرور بر سروری یا بیان عیان اولدی نه نعتدر که بوطور آورنده که آخر زماندر کند
جناب قدسینک سودا سی بنده سنک سرنده پیدا و کندی آتش محبتی انک دلنده شعله نما ایلیه و سوز هجرانی ایله
سرافراز و یکتا ایلیه و بونعت عظمتانک شکری ادا و بوعطیه بی بها ایله ممنون و بر صفا و لوق لازمدر که
هستی پیدا بوب هل من مزید کویان بو واردک از دیان جویان اولوق لا بددر و چشم انتظار ایله اعان ایلک
کر کدر که سودای مذکور سرحد جنونه رسیده اولوب و ما سوای مطلوبه بیکانه ایلیه و کشاکش لاطا ثلث
ریاب ایده و اما تاره نک سرکشکی سببیه مناره آتایند بریا اولان نازده محبتی پاک سوزان ایدوب انوار
کال لایزال ایله نورانیت و ضیاء دارلق پیدا ایلیه لئن شکرتم لازیتکر سعادت نارا چونکه سزده بواکا
طریقه شوق پیدا اولمش کر کدر که بوطریق عالینک شرائط و آدابنه منما امکان رعایت ایلکه سعی ایده سز و بدعت
اجتنابی التزام ایده سز که بوطریق مدارای انک اوزرینه مبنی و جار ایدر و متدین اولان علانک فقر لری
ایله افعال و اقوال و اخلاقه عمل ایده سز و صلحانک سیر نلری کندی که شعرا ایدوب و فقرایه محبتدار

شیرین
ایکن لاه ایله
نقطنه و فی الفتح
اول غله عرب
و انش
دیر لر

دیر لر
نقطنه و فی الفتح
اول غله عرب
و انش
دیر لر

نقطنه و فی الفتح
اول غله عرب
و انش
دیر لر

هل من مزید
دخی زیاد
واری دیک

مدار
طریق
بدعتدر اجتناب
ایلدکدر